اَلدَّرْسُ السّادِسُ
درس ششم

ذوالْقَـرنَيـنِ
ذوالقرنین

كانَ ذوالْقَرنَينِ مَلِكاً عادِلاً موَحِّداً، وَ كانَ يَحْكُمُ مَناطِقَ واسِعَـةً. ذُكِرَ اسْمُـهُ في الْقُرآنِ.
بود ذوالقرنین پادشاهی عادل و یکتاپرست و حکومت می کرد در مناطق وسیع. ذکر شده اسمش در قرآن.

لَمَّا اسْتَقَرَّتِ الْأَوضاعُ لِذي‌الْقَرنَينِ، سارَ مَعَ جَيشِـهِ الْعَظيمِ نَحْوَ الْمَناطِقِ الْغَربيَّةِ يَدْعُو النّاسَ إِلَى التَّوْحيدِ وَ مُحارَبَـةِ الظُّلْمِ وَ الْفَسادِ. فَـكانَ النّاسُ يُرَحِّبونَ بِـهِ في مَسيرِهِ بِـسَبَبِ عَدالَتِـهِ، وَ يَطْلُبونَ مِنْـهُ أَنْ يَحْكُمَ وَ يُديرَ شُؤونَـهُم، حَتَّى وَصَلَ إِلىٰ مَناطِقَ فيـها مُستَنقَعاتٌ مياهُها ذاتُ رائِحَـةٍ كَريهَـةٍ. وَ وَجَدَ قُرْبَ هٰذِهِ الْمُستَنقَعاتِ قَوْماً مِنْـهُم فاسِدونَ وَ مِنْـهُم صالِحونَ.
چون اوضاع برای ذوالقرنین، حرکت کرد با لشکر بزرگش به سوی مناطق غربی درحالی که دعوت می کرد مردم را به یکتاپرستی و جنگ با ظلم و فساد. و مردم خوشامد می گفتند به او در مسیرش به سبب عدالتش، و طلب می کردند از او که حکومت کند و اداره کند کارهایشان را، تا رسید به مناطقی که در آنها مردابهایی است که آب هایش دارای بوی زشت است. و یافت نزدیک این مرداب ها قومی را که عده ای از آنها فاسد هستند و عده ای از آنها صالح.

فَحَكَمَـهُم بِالْعَدالَـةِ وَ أَصْلَحَ الْفاسِدينَ مِنـهُم.
پس حکومت کرد بر آنها به عدالت و اصلاح کرد فاسدان از آنها را.

ثُمَّ سارَ مَعَ جَيشِـهِ نَحْوَ الشَّرقِ.
سپس حرکت کرد با لشکرش به سوی شرق.

فَـأَطاعَـهُ كَثيرٌ مِنَ الْأُمَمِ وَ اسْتَقبَلوهُ لِـعَدالَتِـهِ.
و اطاعت کردند از او بسیاری از امت ها و استقبال کردند از او برای عدالتش.

وَ بَعدَ ذٰلِكَ سارَ نَحوَ الشَّمالِ، حَتَّى وَصَلَ إِلىٰ قَومٍ يَسكُنونَ قُربَ مَضيقٍ بَينَ جَبَلَينِ مُرتَفِعَينِ، فَرَأَىٰ هٰؤُلاءِ الْقَومُ عَظَمَـةَ جَيشِـهِ وَ أَعمالَـهُ الصّالِحَـةَ،
و بعد از آن حرکت کرد به سوی شمال، تا رسید به قومی که سکونت می کردند نزدیک تنگه ای بین دو کوه بلند، پس دید این قوم بزرگی لشکرش و کارهای شایسته اش را،

